

در حل لاله خیز اردو

زندگی نامه و خاطرات شهید عزیز علی اصغر مهتری

از لاله خیز اردو
و زمره لاهی
در حل لاله خیز اردو
کرم خازین است



موسسه فرهنگی هنری
یادواره شهدای استهبان

سرشناسنامه : کیامرثی زهرا
عنوان و پدید آورنده : در ساحل لاله خیز اروند / به قلم زهرا کیامرثی به ویراستاری محمد جواد اسلامی
مشخصات نشر : موسسه فرهنگی هنری وانتشاراتی میرزای شیرازی (انتشارات میرزای شیرازی) ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری : ۷۷ ص : مصور
شابک : ۷-۴۴-۲۷۱۰-۹۶۴-۹۷۸

فهرست نویسی : فیبا
موضوع : ایران ، تاریخ ، جنگ ایران و عراق ۱۳۵۹-۱۳۶۸
موضوع : هنری ، علی اصغر ۱۳۶۵-۱۳۴۵ ، سرگذشته
موضوع : هنری ، علی اصغر ، خاطرات
شناسنامه (اروده) : الفب اسلامی ، محمد جواد ویراستار ب ، عنوان

رده بندی کنگر : DSR۱۶۲۰۵۹۴۴
رده بندی دیویی : ۹۵۵ / ۸۲۲۰۹۲ ک ۹۱۴
۱۳۹۱

در ساحل لاله خیز اروند

نام کتاب : در ساحل لاله خیز اروند
مؤسسه فرهنگی هنری یادواره شهدای استهبان
گردآورنده : زهرا کیامرثی
آماده سازی مطالب : سنانز هنری
ویرایش محتوایی : محمد جواد اسلامی
حروفچینی رایانه و صفحه آرایی : فاطمه ثابت قدم ، فاطمه سبحانی نژاد
طرح جلد : فاطمه تودجی
ناشر : موسسه فرهنگی هنری و انتشاراتی میرزای شیرازی (انتشارات میرزای شیرازی)
نوبت چاپ اول : آذر ماه ۱۳۹۱
شمارگان : ۲۰۰۰
چاپ و صحافی : خانه چاپ شیراز
شابک : ۷-۴۴-۲۷۱۰-۹۶۴-۹۷۸
قیمت : ۲۰۰۰ تومان

این کتاب به سفارش و همکاری خانواده محترم شهید به زیور طبع آراسته گردیده است.
استفاده از مطالب کتاب با ذکر مأخذ بلامانع می باشد.
آدرس: فارس - استهبان - خیابان امام خمینی (ره) - طبقه سوم سینما قدس
فکس: ۰۷۳۲-۴۲۲۰۰۰۲ تلفن: ۰۷۳۲-۴۲۳۰۰۰۴

فهرست مطالب

۹	سخن ناشر.....
۱۲	آغاز سخن.....
۱۳	مقدمه.....

فصل اول: در آسمان زندگی

۱۷	طلوع مهتاب.....
۱۸	روزهای آفتابی.....
۱۹	روزنه ای به سحر.....
۲۰	اندیشه ماه.....
۲۴	پیوند سبز.....
۲۵	سفر به شوق وصال.....
۳۳	آخرین جرعه.....

فصل دوم: از منظر یاران

۴۱	در خاطر دوستان.....
۴۳	در خلوت یار.....
۴۴	به یاد سالار شهیدان.....
۴۴	سوغاتی استهبان.....

- ۴۷..... پلاک به جامانده
- ۴۹..... شوخ طبعی
- ۵۰..... افطاری
- ۵۰..... انگشتری از دیار عشق
- ۵۲..... مراسم ختم
- ۵۲..... فرمانده خاکی
- ۵۳..... زعفران یادگاری
- ۵۴..... آخرین نماز
- ۵۶..... گرمی عشق
- ۵۶..... هدیه ازدواج
- ۵۸..... آب هویج بستنی
- ۵۹..... به فرمان امام خمینی (ره)
- ۵۹..... اشک های ناب سحر
- ۶۱..... تخمه های هندوانه
- ۶۱..... سفیر عشق

فصل سوم: وصیت نامه و تصاویر

- ۶۵..... وصیت نامه
- ۶۷..... تصاویر

سخن ناشر

در برهه ای از تاریخ این مرز و بوم جوانان و نوجوانانی پا به عرصه هستی گذاشتند که در سخت ترین شرایط زمانه، از بنیانگذاران تمدن جدید اسلامی گردیدند. آنان سربازان گمنام و بی نام و نشان عصر خمینی^(ره) هستند که به فرمان او لبیک اجابت گفتند و تمام قد در برابر هجوم همه جانبه دنیای استکبار، برای اعتلای کلمه الله از همه هستی خود گذشتند. بی شک بررسی زندگی بسیجیان و پاسدارانی که از بطن توده ی مردم برخاستند و احساس تکلیف کردند و برای ادای دین پا به عرصه دفاع مقدس گذاشتند می تواند برای همه درس آموز باشد.

آن ها از آسمان نیامده بودند، در دانشگاه های نظامی درس نخوانده بودند،

از زندگی مرفه برخوردار نبودند و ... بلکه در همین کوچه‌های صداقت متولد شدند، در خانه‌ی یکرنگی تربیت یافتند، در کلاس ایمان دانش آموختند و به فرموده امام خمینی (ره) پا برهنگان مغضوب دیکتاتورها بودند! مانند تمام هم سن و سال خود شیطنت و بازیگوشی می کردند، مدرسه می رفتند در مسجد محله در نماز جماعت و جلسه قرآن حاضر می شدند و ... اما مراقبت خانواده، توجه به اطراف و مسئولیت‌هایی که متوجه آنهاست، فضای معنوی حاکم بر جامعه و نفس روحانی حضرت امام روح الله از عوامل اصلی به شمار می روند که از میان جوانان جنگ ندیده، فرماندهان با صلابتی تربیت شوند که اسطوره‌های زمان خود شدند و رزم و دفاعشان در هشت سال دفاع مقدس، لرزه بر پیکر کفر وارد نمود.

بی شک بررسی زوایای مختلف زندگی هر کدام از شهیدان هشت سال دفاع مقدس می تواند نمونه و الگویی باشد برای همه کسانی که طالب حقیقتند و جویای کمال.

«در ساحل لاله خیز اروند» نگاهی گذرا دارد به زندگی یکی از همین جوانان (شهید علی اصغر مهتری) او که از مدرسه، زندگی، همسر و فرزندان گذشت تا آرمان و اعتقادش بماند و وفاداریش را به حسین زمانش اثبات نماید.

این اثر به پیشنهاد، همراهی، مساعدت و مشارکت خانواده این شهید

عزیز به ویژه خواهرزاده شهید خانم سانازمهری، همت همکاران گرامی در مؤسسه یادواره شهدای استهبان که از هیچ تلاشی فروگذار نبودند، همچنین حمایت های معنوی و مادی سردار ذوالقدرنیا پدید آمد که ضمن تشکر فراوان از همه آنان از خدای بزرگ برایشان آرزوی توفیق دارم.

در پایان ذکر این نکته ضروری می نماید که مؤسسه فرهنگی هنری یادواره شهدای استهبان آمادگی دارد در راستای ترویج فرهنگ عزت ساز جهاد و شهادت، زندگی نامه و خاطرات سایر شهدای گرانقدر را در قالب یادنامه، داستان، رمان و ... به زیور طبع آراسته نماید.

و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب

محمدحزاد اسلامی

مدیر مسئول مؤسسه فرهنگی هنری یادواره شهدای استهبان

آغاز سخن

این بار تصمیم گرفتیم برای بخش مصاحبه نشریه بریم سراغ یکی از جانبازان جنگ تا از خاطراتش برایمان بگوید. از شجاعت، فداکاری و از خودگذشتگی‌های بچه‌های جبهه و روزهایی که با همه سختی‌اش بی‌شک هنوز با صفاترین و بهترین دوران زندگیشان بود. از این رو رفتیم خدمت آقای علیزاده. سر صحبت که با ایشان باز شد دیدیم اصلاً انگار قرار ندارد از خودش چیزی برایمان بگوید، مدام میرود سراغ همزمان شهیدش و این شد که اصل فراموش شده «تواضع» که انگار با بچه‌های جبهه عجین شده، دوباره در ذهنم تداعی شد. در لابلای صحبت‌های ایشان خاطراتی هم از دایی بنده - شهید علی اصغر مهتری - گفته شد و همین جرقه‌ی تدوین کتاب پیش رو را در ذهنم زد...

شهید علی اصغر مهتری یکی از هزاران شهید سالهای جنگ است که مصداق «عند ربهم برزقون» شد و کسی که چون از قید خودش گذشت تبدیل به یک شاهد دائمی گردید. ... و حال گفتار پیش رو بضاعتی است اندک و یادی هر چند کوتاه از آن خوبان که رفتند تا دین و ایمان و ایران ما تا ابد سرفراز بماند و یادی است از مردانی که زخم‌های سال‌های جنگ، محملی شد برای نماندنشان. در آخر کمال تشکر دارم از مؤسسه فرهنگی هنری یادواره شهدای شهرستان استهبان، بنیاد شهید، بخش فرهنگی سپاه پاسداران و همزمان شهید، خصوصاً جناب آقای شجاعان که با اشعارش ما را در این مجموعه همراهی کردند.

یا حق

از طرف خانواده شهید

مقدمه

اواخر فروردین ماه ۱۳۹۱ با صدای زنگ موبایلم گوشی را برداشتم. خانمی سلام کرد و خودش را معرفی نمود و گفت: مهتری هستم همو که خواسته بود برای دایی شهیدش - علی اصغر مهتری - که هرگز او را ندیده، زندگی نامه بنویسد و آثاری هرچند اندک اما سرشار از صداقت و راستی برای دنیای امروز به یادگار بگذارد.

از من خواست که نوشتن این کتاب را بپذیرم و من که هرگز، نه نگفته بودم، پذیرفتم. از او خواستم که تمام اسناد، خاطرات، عکس ها و هر آنچه از شهید عزیز باقی مانده برایم بیاورد.

چند روز بعد درب منزلمان آمد و یک بسته تحویل داد و گفت اگر می شود کتاب شهید برای ۴ دی ۱۳۹۱ (سالروز شهادتش) آماده شود. من هم قول دادم تا در حد توان بکوشم.

هنگام خداحافظی برگشت و گفت حق الزحمه نگارش این زندگی نامه
چقدر می شود؟ خندیدم و گفتم این قلم دیر زمانی است که وقف شهادت
و نذر راه شهیدان؛ همین قدر که تو ما را انتخاب کرده ای برای نوشتن
کافیست! خندید و خندیدم. خداحافظی کرد...

مدتی بعد هم تماس گرفت و سبک و نوع نگارش کتاب را انتخاب کرد
که این جوری نوشته شود مثل همین کتاب... و از آن لحظه آغاز شد نگارش
«در ساحل لاله خیز اروند...»

البته به همت و همکاری خانواده محترم شهید، برادر ارجمند جناب آقای
محمد حسین (مجید) فروتنی، دوستان خوبم در مؤسسه فرهنگی هنری
یادواره شهدای استهبان بویژه استاد گرانقدر و بزرگوایم جناب آقای
محمدجواد اسلامی که نقش بسزایی در تألیف و نگارش کتاب ایفا نمودند.

اللهم تقبل منا بفضلک و کرمه

زهرا کیامرثی

۳۰ آبان ماه ۱۳۹۱